

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه بشریت با تأکید بر پرونده الحسن در دیوان کیفری بین‌المللی

محمدحسن مالدار*

حسن پورباقرانی**

سیده‌نگین حسن‌زاده‌خیز***

DOI: 10.22096/HR.2024.2016031.1636

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴]

چکیده

امروزه، حقوق بشر تبعیض‌های جنسیتی را با هر رنگ و بویی و در هیچ لباسی بر نمی‌تابد. شاهد این سخن، مجرم شناخته شدن «الحسن» در دیوان کیفری بین‌المللی است. وی به علت اعمال تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان از جمله تجاوز، ازدواج اجباری و تعقیب و آزار آنها به واسطه تحمیل قوانین و دستورات مغایر با آزادی‌های اساسی، متهم به جنایت علیه بشریت شده است. نتایج این پژوهش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که رفتارهای الحسن در مقام رئیس پلیس اسلامی انصارالدین، شرایط لازم برای تحقق جنایت علیه بشریت را دارد. با بازخوانی این پرونده، این پرسش مطرح می‌شود که مگر اجرای احکام اسلامی می‌تواند هم‌زمان در بردارنده عناصر جنایت علیه بشریت باشد؟ به نظر می‌رسد رفتارهای برخی گروه‌های شبه‌نظامی مسلمان مانند انصارالدین، به علت وجود عناصر زمینه‌ای، مادی و معنوی می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد. با این توضیح این رفتارها، تنها جلوه‌ای از قرائتی خشن و افراطی از شریعت اسلام است که منافی مقاصد آن است. در این باره، هرچند که نمی‌توان ارتکاب جنایت علیه بشریت از رهگذر اعمال تبعیض‌های جنسیتی را به همه حکومت‌های اسلامی نسبت داد، ولی بازخوانی این پرونده و رویکرد دیوان می‌تواند برای آنها بسیار آموزنده باشد.

واژگان کلیدی: تبعیض جنسیتی؛ جنایت علیه بشریت؛ پرونده الحسن؛ سلفی‌گری؛ آزار و اذیت زنان؛ دیوان بین‌المللی کیفری.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
(نویسنده مسئول)
Email: soheilmalidar@gmail.com

** دانشیار، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Email: negin.hasanzade567@gmail.com



۱. مقدمه

یکی از اتفاقات مهم قرن بیست و یکم میلادی، جنگ داخلی کشور مالی بود. در این جنگ، پس از سقوط «آمادو تومانی توره» (Amadou Toumani Touré)، رئیس‌جمهور مالی، گروه‌های «انصارالدین» (Ansar al-Din) و «القاعده» (Al Qaeda)، شهر تیمبوکتو در شمال مالی را تصرف کرده و با اتکا به قرائتی خشن و ضدانسانی از اسلام، اعتقادات و اندیشه‌های سلفی را بر شهروندان تحمیل کردند. یکی از مهم‌ترین اقدامات این گروه، وضع احکام مبتنی بر جنسیت و تعیین ضمانت اجرای خشن برای سرپیچی از این دستورات بود. این اعمال که ناگهانی و خلاف عرف محلی بود، باعث ایجاد رعب و وحشت در میان اهالی گردید و موجبات نگرانی ناظران داخلی و بین‌المللی را فراهم آورد. بر این اساس، دولت مالی در سال ۲۰۱۲ میلادی وضعیت جاری در این قسمت از کشور را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (زین پس دیوان) ارجاع داد. دادستان نیز در روزهای نخست سال ۲۰۱۳ میلادی تحقیقات خود را نسبت به جرائم احتمالی واقع شده در وضعیت مالی آغاز کرد.

یکی از قضایای مرتبط با مخاصمه مسلحانه مالی، پرونده «الحسن آغ عبدالعزیز آغ محمد آغ محمود» (Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud) است. بررسی این پرونده، از این جهت اهمیت دارد که نظیر اقدامات الحسن و گاهی همان رفتارهای تبعیض‌آمیز مبتنی بر جنسیت در برخی از کشورهای اسلامی در حال انجام است یا قصد انجام آن وجود دارد و این اقدام دیوان، هشدار نسبت به دولت‌ها و گروه‌هایی است که این شیوه را در پیش گرفته‌اند. به این صورت که آنها نیز امکان دارد زمانی، تحت تعقیب عالی‌ترین مرجع بین‌المللی کیفری قرار گیرند. بر این اساس این پرسش مطرح می‌گردد که آیا در جهان فعلی، تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت، می‌تواند جرم بین‌المللی جنایت علیه بشریت محسوب شوند؟ افزون بر این، آیا تبعیض‌های جنسیتی مزبور که بعضی از مصادیق آن در برخی از حکومت‌های اسلامی هم به چشم می‌خورند، با سرشت و غایت شریعت اسلام منطبق هستند؟ اگر پاسخ منفی است، پس ریشه احکام جنسیت‌زده در کشورهای اسلامی به چه مسئله‌ای بازمی‌گردد؟

در تحقیق پیش‌رو برای پاسخ پرسش‌های بالا و نظیر آن با بررسی پرونده مزبور طی دو گفتار، ابتدا انطباق‌پذیری تبعیض‌های جنسیت‌محور منتسب به الحسن با عناصر سازنده جنایت علیه بشریت بررسی شده و سپس چرایی تولید قرائت جنسیت‌زده از شریعت اسلام بررسی می‌شود. در گفتار اخیر ضرورت‌های بیرونی بازناندیشی در سیاست‌های جنسیتی

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوربافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۶۵

تبعیض‌آمیز یادآوری و امکان درونی برون‌رفت از نظام اجتماعی تبعیض‌زا در پرتو آموزه‌های شریعت اسلام سنجیده می‌شود.

۲. توصیف تبعیض جنسیتی به‌مثابه جنایت علیه بشریت

در این قسمت ابتدا برخی رفتارهای واقع‌شده توسط الحسن و گروه اسلام‌گرای افراطی انصارالدین و سپس امکان تطبیق آنها با جنایت علیه بشریت بررسی می‌شود.

۲-۱. شرح برخی رفتارهای الحسن و گروه انصارالدین

الحسن در جایگاه رئیس حربه (پلیس اسلامی) گروه انصارالدین اختیارات و قدرت زیادی داشت. او و زیردستانش به‌مثابه مجریان اوامر گروه انصارالدین با برنهادن قوانین و مقررات خریدستیزانه و دخالت در حوزه عمومی و خصوصی زندگی شهروندان به‌ویژه زنان و دختران، هر آنچه را که مغایر با دیدگاه‌هایشان بود، ریشه‌کن کردند. برای مثال سنت‌ها و آداب و رسوم دیرینه، آموزش مختلط و پوشش سنتی زنان را ممنوع کردند؛^۱ نیز، پوشش خاصی را اجباری کرده و مأمورینی را برای نظارت بر متخلفان، تعیین کردند.^۲ بانوان متخلف با شکنجه یا برخورد بی‌رحمانه و غیرانسانی روبه‌رو می‌شدند. در یک نمونه، زنی به جهت امتناع از قوانین تحمیلی با فنداق تفنگ یکی از مأمورین الحسن به شدت مجروح گشت یا زن دیگری، مورد ضرب و شتم قرار گرفت.^۳ این سخت‌گیری‌های جنسیتی باعث سوءاستفاده‌های جدی و جنایات علیه زنان و دختران در شهر شده بود. این وحشت به‌اندازه‌ای بود که آنها حتی جرئت ترک منزل را نداشتند،^۴ زیرا اگر دستگیر می‌شدند مجازات‌هایی چون شکنجه، شلاق و حبس با شرایط غیرانسانی در انتظارشان بود.^۵ تبعیض‌های جنسیتی هر روز بیشتر و شدیدتر می‌شد؛ برای مثال یکی از چهره‌های مذهبی شهر تیمبوکتو، آرام صحبت کردن و تولید صدا با کفش هنگام راه رفتن و پوشیدن زیورآلات توسط زنان را ممنوع اعلام کرد.^۶ با این فتوا محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها شدیدتر شد؛ زیرا آنها نمی‌توانستند خانه‌های خود را ترک کنند و در خیابان در معاشرت مردان دیگری غیر از شوهر یا برادرانشان حرکت کنند یا در اماکن و معابر عمومی

1. ICC, *Al Hassan case*, La Chambre Préliminaire I, No. ICC-01/12-01/18, (ICC, 13 November 2019), para 41.

2. ICC, *Al Hassan case*, para 77.

3. ICC, *Al Hassan case*, para 164.

4. ICC, *Al Hassan case*, para 5.

5. ICC, *Al Hassan case*, para 94.

6. ICC, *Al Hassan case*, para 110.

گفت‌وگو کنند.^۷ آنها اجازه نداشتند برای سخنرانی در محل تجمع، حضور یابند؛ نمی‌توانستند در شب تنها سفر کنند و امکان مسافرت با موتورسیکلت را نداشتند. حتی زنان و دختران مجبور به پوشیدن دستکش در بازار برای پرداخت و خریدهای خود از مغازه‌دار مرد شدند. دستورالعمل‌های کتبی برای اعمال مجازات‌هایی مانند حبس یا شلاق به دلیل نقض این قوانین جدید پیش‌بینی شد. منجرکننده‌تر از این موارد، زمانی بود که زنان و دختران توسط ازدواج اجباری مورد بردگی جنسی قرار گرفتند.^۸

۲-۲. رفتارهای الحسن از زبان دادستان دیوان کیفری بین‌المللی

تعقیب و آزارهای جنسیتی اعمال‌شده در شهر تیمبوکتو، دولت مالی را بر آن داشت تا این وضعیت را طبق ماده ۱۴ اساسنامه دیوان، به دیوان ارجاع دهد. یک سال بعد (۲۰۱۳)، پس از انجام ارزیابی مقدماتی، دادستان وقت به این نتیجه رسید که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد. از این رو، تصمیم گرفت تحقیقات را در خصوص جرائم رخ داده آغاز کند. به اعتقاد دادستانی، گروه انصارالدین در طول سلطه خود بر تیمبوکتو، قوانین و مقررات زن‌ستیزانه‌ای بر خلاف موازین حقوق بین‌الملل (Standards of international law)، وضع و اعمال کرده است.^۹ در سال ۲۰۱۸ میلادی، پس از اتمام تحقیقات و احراز مجرمیت الحسن برای دادستان، حکم بازداشت متهم توسط دفتر دادستانی درخواست و به وسیله شعبه پیش‌دادرسی تأیید شد.^{۱۰} سپس وی توسط مقامات مالی، دستگیر و به بازداشتگاه دیوان واقع در لاهه انتقال یافت.^{۱۱} در سال ۲۰۱۹ میلادی، در جلسه تأیید اتهام، اتهامات جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی تأیید شد.^{۱۲} بعد از این اتفاق، الحسن به این موضوع اعتراض کرد که این درخواست توسط شعبه پیش‌دادرسی رد شد.

7. ICC, *Al Hassan case*, para 143.

8. ICC, *Al Hassan case*, para 14.

۹. طبق این ماده: «۱. یک دولت عضو می‌تواند موضوعی را ظاهراً در آن یک یا چند جرم مشمول صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است، به دادستان ارجاع و درخواست تحقیق نماید به این منظور که مشخص شود آیا شخص یا اشخاصی باید به ارتکاب آن جرائم متهم شوند...».

10. ICC, *Al Hassan case*, para 162.

11. ICC, *Al Hassan case*, *Case Information Sheet*, ICC-01/12-01/18 (ICC, August 2023).

12. "Situation in Mali: Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud surrendered to the ICC on charges of crimes against humanity and war crimes in Timbuktu," last modified February 6, 2023, https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr1376#_blank.

13. "Al Hassan case: ICC Pre-Trial Chamber I confirm charges of war crimes and crimes against humanity and commits suspect to trial," last modified February 6, 2023, https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr1483#_blank.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوربافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۶۷

«فاتو بن سودا» (Fatou Bensouda) دادستان وقت دیوان با بازخوانی اتهامات الحسن، به این نکته اشاره کرد که قرائن و شواهد حاکی از آن است که نه تنها الحسن در جایگاه رئیس امور حسبه تیمبوکتو در این محدودیت‌ها، نقش اصلی را ایفا می‌کرده، بلکه وحشتی که الحسن و گروهش در وجود ساکنین تیمبوکتو انداخته‌اند، در تاریخ معاصر مالی سابقه نداشته است. از این رو، برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی چنین شخصی و دیگر افراد دخیل در این جنایات، باید دیوان نسبت به این پرونده، تصمیم مقتضی را بگیرد.^{۱۴} در نتیجه شعبه‌های مقدماتی و تجدیدنظر به این نتیجه رسیدند که این پرونده، از استانداردهای قانونی لازم جهت رسیدگی در این دادگاه برخوردار است.

بر این اساس شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده الحسن، اتهام جنایت علیه بشریت از رهگذر تبعیض جنسیتی را متوجه او دانست. به باور این مرجع، گروه‌های مسلح انصارالدین و القاعده به صورت گسترده و سازمان‌یافته از اوایل آوریل ۲۰۱۲ تا اواخر ژانویه ۲۰۱۳ در تیمبوکتو مرتکب تبعیض جنسیتی شده‌اند. با این توضیح که در نهایت در ژوئن ۲۰۲۴، وی به دلیل اعمال تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان از جمله اجبار ایشان به رعایت پوشش خاص در دیوان مجرم شناخته شد.^{۱۵}

۳-۲. امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت نسبت به رفتارهای الحسن

اکنون زمان بررسی این پرسش است که آیا تبعیض‌های جنسیتی، می‌توانند مصداق جنایت علیه بشریت باشند؟ برای پاسخ، نخست باید مصادیق جنایت علیه بشریت شناسایی شود. ماده ۷ اساسنامه دیوان متضمن تعریف و ارکان تحقق جنایت علیه بشریت است که در بند ۱ خود طی یازده بند مصادیق جنایت علیه بشریت را بیان کرده است. طبق بند ۱ این ماده: «منظور از جنایات علیه بشریت در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است هنگامی که در چهارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب گردد: الف- قتل عمد ب- ریشه‌کن کردن ج- به بردگی گرفتن د- تبعید یا انتقال اجباری جمعیت ه- حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی

14. "Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Fatou Bensouda, at the opening of the trial in the case against Mr Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud," last modified February 6, 2023, <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=200714-otp-statement-al-hassan>.

15. "Al Hassan case: Trial Chamber X," last modified June 26, 2024, 2023, No. ICC-01/12-01/18, <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/0902ebd1808b650c.pdf>

حقوق بین‌الملل انجام می‌شود. و- شکنجه ز- تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌کردن اجباری یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها. ح- تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسی به معنای مذکور در بند ۳ یا بر اساس سایر معیارهایی که بالاتفاق در حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته شده است. ط- ناپدید کردن اجباری اشخاص ی- جنایت تبعیض نژادی ک- اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی صورت پذیرد).

با دقت در صدر ماده مشخص می‌شود که ارتکاب هر کدام از مصادیق مندرج در ماده به شرط «سازمان‌یافته‌بودن»، «گسترده‌بودن» و «علیه جمعیت غیرنظامی واقع‌شدن»، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد. بر این اساس تبعیض مبتنی بر جنسیت واقع‌شده توسط الحسن، حسب مورد می‌تواند منطبق بر بندهای مختلف این ماده از جمله بند ح (h)، یعنی «تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل... جنسی» باشد. با این وصف با توجه به وضع قانون توسط مراجع عالی گروه انصارالدین در مورد تبعیض‌های جنسیتی، سازمان‌یافتگی و برنامه‌ریزی‌شده‌بودن آن نیز محرز است. همچنان که گستردگی موارد اعمال تبعیض جنسیتی هم قابل‌انکار نیست. بنابراین، شرایط تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تعقیب و آزار زنان وجود دارد؛ اما خود این تعقیب و آزار هم ممکن است به اشکال گوناگونی مانند محرومیت زن‌ها از تحصیل، اجبار آنها به پوشش خاص، ممنوعیت تجمع و معاشرت در خیابان با مردان و اجبار به پوشیدن دستکش برای پرداخت و دریافت پول و کالا از مغازه و در صورت عدم گردن‌نهادن به چنین تبعیض‌هایی، روبه‌رو شدن با سخت‌ترین ضمانت‌اجراها باشد. به‌طور کلی این تعقیب و آزار وقتی محقق می‌شود که بزه‌دیدگان، اجبار به انجام یا عدم انجام کارهایی شوند که از لحاظ معیارهای حقوق بین‌الملل برخلاف حقوق اساسی آنها محسوب شود.^{۱۶} آنچه اهمیت دارد محرومیت شدید و عمدی از حقوق اساسی است که به وارونه موازین و مبانی حقوق بشر و تنها به جهت تعلق جمعیت هدف به یک مجموعه (در اینجا جنس مؤنث) تحمیل می‌شود.^{۱۷} به عبارت دیگر، مقصود از تعقیب و آزار در این بند،

۱۶. حقوق بنیادینی که الحسن زنان را از آنها محروم نموده بود، در کنوانسیون‌های پرشماری از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) به روشنی مورد تصریح و تأکید قرار گرفته‌اند.

17. Antonio Cassese, *International Criminal Law* (New York: Oxford University Press, 2010), 113.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوریافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۶۹

نقض حق برابری انسان‌ها به نحو آنچنان شدیدی است که به نادیده گرفتن یکی از حقوق اصلی یا بنیادین بشر (مانند حق آزادی رفت‌وآمد، حق تحصیل، حق پوشش و حق بر مصونیت از تعرض) منجر شود.^{۱۸} البته همان‌گونه که حقوق‌دانان عرصه حقوق بین‌الملل کیفری گفته‌اند و رویه قضایی بین‌المللی کیفری نیز آن را تأیید کرده است، فهرست جامعی از تمامی مصادیق تعقیب و آزار موضوع این بند وجود ندارد و در واقع مصادیق آن می‌تواند قابل‌گسترش باشد و حصری نیست.^{۱۹} این امر قابل‌توجه است، زیرا مصادیق تعقیب و آزار جنسیتی آنچنان گسترده است که نمی‌توان انتظار احصای آن در یک ماده قانونی را داشت. آزار هم الزاماً به معنای آزار جسمی نیست و شامل آزارهای معنوی هم می‌شود. همچنان که در حقوق داخلی کشورها از جمله ایران هم آزار را اعم از آزار جسمی و روانی دانسته‌اند. در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۲/۷۶۵ مورخ ۷/۱۱/۴/۱۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه در پاسخ این پرسش که «منظور از آزار جنسی چیست؟ آیا منظور از آزار جنسی همان اعمال منافی عفت است یا دایره آن فراتر... است؟»، گفته شده: «... آزار جنسی شامل کلیه رفتارهای جنسی اعم از تماس فیزیکی یا بدون تماس فیزیکی که بدون رضایت و تمایل طرف مقابل و به قصد التذاذ یا آزار مخاطب... صورت می‌پذیرد و باعث ورود آسیب به شخصیت مادی یا معنوی فرد شده و موجبات ناراحتی وی را فراهم می‌نماید، است. بنابراین، اعمال منافی عفت فقط بخشی از آزار جنسی است... و دامنه آزار جنسی فراتر... است».

افزون بر این، برخی از رفتارهای الحسن از جمله ازدواج اجباری دختران می‌تواند مصداق سایر بندهای این ماده باشد. هرچند برخی قضات، ازدواج اجباری را مصداق بند z (g) شق ۱ ماده ۷ اساسنامه (تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی...) به شمار می‌آورند؛ ولی بعضی دیگر آن را مصداق بند ک (K) شق ۱ این ماده، یعنی «اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی صورت پذیرد»، می‌دانند.^{۲۰} با این وصف چه ازدواج اجباری مصداق بند g و چه مصداق بند k ماده ۷ اساسنامه باشد، در هر صورت در قالب جنایت علیه بشریت دسته‌بندی می‌شود. در رویه قضایی بین‌المللی، برای نمونه «دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق» (International

18. Kriangsak Kittichisaree, *International Criminal Law* (New York: Oxford University Press, 2005), 116.

19. Rober Cryert, et al., *An introduction to International Criminal Law and Procedure*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2010), 259.

۲۰. برای مطالعه در این خصوص: محمدهادی ذاکر حسین، «دیوان کیفری بین‌المللی و انتخاب وصف منصفانه برای ازدواج اجباری»، *دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر* ۱۷، شماره ۳۳ (بهار و تابستان ۱۴۰۱): ۱۰۱-۱۰۴.

(Celebici) در قضیه سیلیبیچی (Criminal Tribunal for the former Yugoslavia)، در قضیه سیلیبیچی (Celebici) گفته است: «همه فعل یا ترک فعل‌های همراه با شکنجه یا عمداً منجر به صدمات جسمی و روانی شده، به عنوان «اعمال غیرانسانی مشابه» تلقی می‌شوند». همچنان که این محکمه متذکر شده: «زیر پا گذاشتن اصول اساسی و ذاتی رفتار انسانی، علی‌الخصوص عدم رعایت شرف، عزت و کرامت انسانی، مصداق رفتار غیرانسانی مشابه است».^{۲۱}

در کنار این، شعبه تجدیدنظر «دادگاه ویژه سیرالئون» (Special Court for Sierra Leone)، هم هدف از درج «اعمال غیرانسانی مشابه» در اساسنامه را فراهم کردن بستر تعقیب اقداماتی می‌داند که شدت قابل مقایسه‌ای با مصادیق مصرح جنایت علیه بشریت دارند.^{۲۲} به دیگر سخن، رفتار مدنظر باید سنجش‌پذیر از نظر شدت با دیگر اعمال تصریح شده در ماده ۷ باشد، در غیر این صورت نمی‌توان مرتکب را به جنایت علیه بشریت محکوم کرد. با این حال، مطابق رویه دیوان، شدت عمل باید با توجه به اوضاع و احوال محیط و شرایط ارتکاب رفتار صورت پذیرد.^{۲۳} این موضع در پرونده «مدیا» (Media) در دیوان بین‌المللی کیفری رواندا نیز اتخاذ شده و این دادگاه ملاک تعیین شدت را شرایط و اوضاع و احوالی دانست که فعل یا ترک فعل ادعایی در آن روی داده است.^{۲۴} همین دادگاه در پرونده «آکایسو»، برهنه کردن اجباری بزه‌دیده و نشان دادن وی در گل و لای، راه بردن او به حالت برهنه در ملاعام و اجبار زنان به انجام حرکات ورزشی به صورت برهنه و علنی را مصداق «اعمال غیرانسانی مشابه» دانست.^{۲۵} بدین ترتیب نمی‌توان، برای «شدت»، قاعده نوعی و عام‌الشمول وضع کرد، بلکه باید دو قید اخیر در چهارچوب هر پرونده به طور خاص سنجیده شوند.^{۲۶} در نتیجه در پرونده الحسن، تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت می‌تواند مصداق «اعمال غیرانسانی مشابه» نیز باشد؛ زیرا رفتارهای کرامت‌ستیز و ترسناک او از چنان شدتی برخوردار

21. ICTY, *Zejnir Delalić, Zdravko Mucić, Hazim Delić and Esad Landžom cases*, Judgment, Case No. IT-96-21-T (ICTY, 16 November 1998), para 442-544.

22. SCSL, *Alex Tamba Brima, Brima Bazzy Kamara, and Santigie Borbor cases*, Appeals Chamber, Case No. SCSL-2004-16-A (SCSL, 22 February 2008), para 183.

23. ICTR, *Clement Kayishema and Obed Ruzindana cases*, Judgment, No. ICTR-95-1-T (ICTR, 21 May 1999), para 149-151, para 149-151.

24. ICTR, *Ferdinand Nahimana; Jean-Bosco Barayagwiza; Hassan Ngeze cases*, Appeals Chamber, Case No. ICTR-99-52-A (ICTR, 28 November 2007), para 987.

25. ICTR, *Jean-Paul Akayesu cases*, Judgment, Case No. ICTR-96-4-T (ICTR, 2 Sep 1998), para 697.

۲۶. تأیید شدت‌مندی و قابلیت پذیرش پرونده «الحسن» از سوی شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی، به آدرس:

<http://www.icicl.org/details.asp?id=571>

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوریافرانی و حسن‌زاده خیابان ۱۷۱

بود که به عقیده دادستانی، در تاریخ مالی کم‌نظیر بوده است. از نظر دادستان هم دیوان مدارک جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که الحسن و زبردستانش از آوریل ۲۰۱۲ تا ژانویه ۲۰۱۴، یک تهاجم گسترده و سازمان‌یافته را علیه جمعیت غیرنظامی تیمبوکتو به اجرا درآوردند.^{۲۷} امضای الحسن در اسناد و مدارک مختلف بر لزوم اعمال تبعیض‌های جنسیتی، وجود دارد. همچنان که او شخصاً در بسیاری از این محدودیت‌ها حضور داشته است و آگاهی وی و تصادفی نبودن این جنایات در این زمینه محرز بوده است.^{۲۸} در کنار دو عنصر روانی و مادی که درباره الحسن محقق است، عنصر زمینه‌ای^{۲۹} آن نیز وجود دارد، چراکه در پرونده جاری طبق قرائن و شواهد، تبعیض‌های جنسیتی به‌مثابه جنایت علیه بشریت در چهارچوب یک حمله‌ی گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی رخ داده است.

در پایان این قسمت از بحث اشاره می‌شود که برخی از حقوق‌دانان با اتکای به صدر ماده ۷ اساسنامه دیوان صرف یکی از دو وصف «سازمان‌یافته» یا «گسترده» بودن رفتار علیه «جمعیت غیر نظامی» را برای تحقق جنایت علیه بشریت کافی می‌دانند؛ ولی برخی دیگر با اتکای به بند الف شق ۲ ماده ۷ وجود هر دو را لازم می‌دانند^{۳۰} که حتی مطابق نظر اخیر هم رفتارهای الحسن با توجه به گستردگی و سازمان‌یافتگی آن مصداق جنایت علیه بشریت است.

۳. چرایی تولید قرائت جنسیت‌زده از شریعت در برخی همبودگاه‌های اسلامی

از منظر مسلمانان، قرآن کریم به‌مثابه قانونی اساسی، ارزش‌های والای انسانی را ورای زمان و مکان تبیین کرده است. قرآن، ملاک برتری را تقوا نه جایگاه اجتماعی انسان‌ها دانسته که جهت‌دهنده فرازمانی انسان‌هاست. در جامعه عرب زمان نزول وحی که برتری یک جنس بر جنس دیگر از ارزش‌های ذاتی آن تلقی می‌شد، قرآن از دخترانی که به ناحق و صرفاً برای

27. ICC, *Al Hassan case*, La Chambre Préliminaire I, No. ICC-01/12-01/18 (ICC, 13 November 2019), para 99

28. ICC, *Al Hassan case*, para 131-191-205.

۲۹ - «عنصر زمینه‌ای جرایم بین‌المللی شرایط و اوضاع و احوال خاصی است که ارتکاب یک رفتار مجرمانه همراه با آن شرایط یک جرم عادی را به آستانه‌ی جنایت بین‌المللی می‌رساند.» رجوع شود به: محمد هادی ذاکر حسین، «گرسنگی دادن غیرنظامیان به‌مثابه جنایت جنگی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۸ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰): ۲۴۱-۲۴۲.

۳۰. ویلیام شبت، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه سید محمدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری (تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۴)، ۵۲-۵۳؛ حسن پوریافرانی، حقوق جزای بین‌الملل (تهران: نشر جنگل، ۱۴۰۲)، ۲۶۲-۲۶۳؛ محمد هادی ذاکر حسین، «گرسنگی دادن غیرنظامیان به‌مثابه جنایت جنگی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۸ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰): ۲۴۱-۲۴۲.

جنسیت زنده‌به‌گور می‌شدند (مصدافی از جنایت علیه بشریت به شکل امروزی)، سؤال می‌پرسد.^{۳۱} این سؤال نه تنها از اعراب آن زمان که از همه بشریت است. هنگامی که رفتارهای افرادی چون الحسن با آموزه‌های قرآنی مقابل هم قرار می‌گیرند، این سؤال مطرح می‌شود که عواملی بروز چنین رفتارهایی در برخی همبودگاه‌های اسلامی چیست؟

برای پاسخ به این پرسش نیاز است نخست میان حقیقت دین و قرائت‌های دینی، قائل به تفکیک شد. به باور نگارندگان، حقیقت دین، واحد، ثابت و مطلق است، اما فکر دینی و خوانش‌های عالمان از دین متعدد، متغیر، فاقد خصیصه قدسیست و مقید و محدود است. بر این اساس قرائت برخی از فقیهان به ویژه فقیهان سلفی،^{۳۲} مغایر با مقاصد کلان شریعت نظیر عدالت و کرامت انسانی در روزگار کنونی است. با این حال، افرادی نظیر الحسن از چنین خوانش‌هایی پیروی می‌کنند که به دلیل عدم انطباق با روح شریعت این خوانش‌ها را نمی‌توان حقیقت دین پنداشت. بر این مبنا مهم‌ترین عامل شکل‌گیری تبعیض‌های جنسیتی در همبودهای اسلامی را می‌توان دوری از قرآن دانست. بیش از دویست آیه از قرآن مرتبط با زنان است که به لحاظ خلقت و تکوین، آنها را با مردان برابر می‌داند.^{۳۳} با این وجود، برخی زمینه‌های فکری ریشه‌دار در تاریخ عرب جاهلی که در برخی ضرب‌المثل‌ها نیز جلوه‌گر شده، مبنای عملکرد افرادی نظیر ابن تیمیه قرار گرفته و مشی فکری و عملکرد گروه‌های سلفی جهادی و وهابی را تشکیل داده است. برای مثال، ابن تیمیه با بیان ضرب‌المثل «فإن النساء لحم علی وضم إلا ما دُبَّ عنه» زنان را در نهایت ضعف و تولیدکننده فساد معرفی می‌کند.^{۳۴} همچنین آیات ۲۸۲ سوره بقره^{۳۵} و ۳۴ سوره نساء^{۳۶} مستمسک ادعای نقص عقل زنان قرار گرفته است.^{۳۷} به گونه‌ای که

۳۱. التکویر، آیات ۸ و ۹.

۳۲. بدیهی است که قرائت‌های تولیدشده توسط گروه‌های سلفی ممکن است از جانب بعضی از کشورها حمایت شده یا حتی در بعضی از کشورها این‌گونه رفتارها واقع شود. با این حال صرف پایگاه‌بودن یک کشور در تولید و نشر قرائت‌های سلفی سبب تشکیل پرونده در دیوان و محاکمه تحت عنوان جنایت علیه بشریت نمی‌شود و برای این مهم افزون بر پیش‌شرط‌های صلاحیتی دیوان، وجود یک حمله گسترده و سازمان‌یافته نیاز است.

۳۳. آیاتی نظیر: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا اِنَّ اکریمکم عندالله اتقاکم»، «و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی التری و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضّلناهم علی کثیر مَمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیلاً»، «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بنتٌ منهما رجلاً کثیراً و نساءً»، «لقد خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ» و «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحِیْبِنَهُ حَیَاه طَیْبَهُ» از جمله آیاتی هستند که به تساوی در خلقت زن و مرد اشاره دارند.

۳۴. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، شرح العمده فی بیان مناسک الحج و العمرة، جلد ۱ (ریاض: مکتبه الحرمین، ۱۴۰۹ق)، ۱۷۶.

۳۵. «وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِیدِینَ مِنْ رِجَالِکُمْ فَإِنْ لَمْ یَکُونَا رِجَالِینَ فَرِجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذْکَرِ إِحْدَاهُمَا الْاُخْرَى».

۳۶. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوریافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۷۳

محمد بن صالح العثیمین زن را اسیری در دست مرد پنداشته است.^{۳۸} وانگهی، مشابه این مطالب در منابع شیعی وجود دارد. مثلاً، در «من لایحضره الفقیه» این سخن به پیامبر (ص) منتسب شده است: «سست دین و کم‌خردی که عقل دزدتر از شما زنان باشد، ندیده‌ام».^{۳۹} افزون بر این، از امام علی (ع) نقل شده است که: «ایمان زنان ناتمام است، بهره آنان ناتمام است، خرد ایشان ناتمام است...».^{۴۰} در حدیثی دیگر آمده است که امام علی (ع) در نامه‌ای به امام حسن (ع) بیان نمودند: «از مشورت با زنان پرهیز کن، زیرا رأی آنان به تباهی و عزمشان به سوی سستی است».^{۴۱} دوباره از این امام (ع) نقل شده است که «زنان وصی گرفته نمی‌شوند؛ چون خداوند فرموده است: اموالتان را در اختیار سفیهان قرار ندهید».^{۴۲}

اگرچه به لحاظ سندی غالب این روایات مرسل هستند؛ باین وجود نمی‌توان منکر تأثیرپذیری برخی سطحی‌نگران مدعی اسلام و مسلمانی که این روایات را منطبق بر آمال و آرزوهای خود می‌دانند، شد. چنانکه حسن البنا بر این باور است که کار کردن زن در خارج از خانه تنها از باب ضرورت است و نباید تبدیل به نوعی نظام عمومی شود.^{۴۳} و آموزش آنها نیز باید بر مواردی استوار باشد که در تدبیر منزل و تربیت طفل به کار آید و علمی نظیر حساب، تاریخ، زبان‌های گوناگون و حقوق و قوانین برای زنان ضرورت ندارد و مورد نیازشان نیست.^{۴۴} البته این مسئله شاید در گذشته بدیهی می‌نمود، زیرا در آن روزگار جوامع مکانیکی بودند و تقسیم کار گسترده‌ای وجود نداشت، اما عبور از جامعه مکانیکی به جوامع ارگانیکی سبب تغییر نگرش گروه‌های اسلام‌گرای افراطی نظیر انصارالدین نشده است. نتیجه ترسیم این چهره از زن در جامعه‌ای با رهبران مرد و داشتن چنین گرایش‌هایی، راندن زن از جامعه است؛ کاری که گروه انصارالدین پی گرفت. در چنین دیدگاهی زنان فتنه و مانع عبادت پروردگار هستند، پس باید هرچه بیشتر از جامعه دور باشند و از آنجا که مواردی نظیر تحصیل یا تصدی مناصب، نیاز به حضور در اجتماع دارد، زنان را از تحصیل منع می‌کنند تا بتوانند بر مبنای تصور خود، بدون فتنه زن، هم جامعه را مدیریت کرده و هم با خیال

۳۷. محمد بن صالح العثیمین، الضیاء اللمع من الخطب الجوامع (بی‌جا: مؤسسه الشیخ محمد بن صالح العثیمین الخیریه، بی‌تا)، ۵۳۴.

۳۸. محمد بن صالح العثیمین، مجموع فتاوی و رسائل فضیله، جلد ۱۰ (ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۳)، ۹۲۸.
۳۹. محمد بن علی بن بابویه صدوق، من لایحضره الفقیه، جلد ۳ (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق)، ۳۹۰.

۴۰. ابوالحسن محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (قم: دارالفکر، ۱۳۸۶)، خطبه ۸۰.

۴۱. ابوجعفر کلینی، الکافی، جلد ۵ (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷)، ۳۳۸.

۴۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، جلد ۹ (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق)، ۲۴۵.

۴۳. حسن البنا، مجموعه رسائل الإمام الشهید حسن البنا (اسکندریه: دار الدعوة، ۱۴۲۳)، ۲۹۲.

۴۴. البنا، مجموعه رسائل، ۲۸۶.

راحت دستورات الهی را اجرا نمایند.

نکته مهم‌تر تداوم چرخه قدرت مردسالار در چنین همزیستگاه‌هایی است. در این چرخه زن از خانه خارج نشده و امکان تحصیل ندارد و در صورت عدم علم‌آموزی، امکان ارائه تفسیری زنانه از آیات قرآن و شریعت نیز مسدود می‌شود و فهمی متناسب با معیار انسانیت و برابری از دین ارائه نمی‌شود. بدین ترتیب رهبران جریان‌های سلفی، موافق با تفسیرهای مردسالارانه ارائه‌شده از نصوص دینی، حقوق اجتماعی زنان را که ریشه در کرامت انسانی دارند، نقض می‌نمایند. بدیهی است اندیشه‌های زن‌ستیزانه بیش و کم در همه جوامع، حتی اروپایی هم وجود دارد، اما یا صرف اندیشه است یا در صورت عملی شدن هم جنبه فردی و موردی داشته و گستردگی و سازمان‌یافتگی که از شرایط مهم جنایت علیه بشریت است را ندارد.

عامل دیگری که در تولید احکام فقهی مخالف با حقوق زن اثرگذار است، روش بیانی یا جمودگرایی است که در فهم نصوص، تمرکز خود را بر الفاظ می‌گذارد. این رویکرد، جای آن که قرآن محور باشد و آموزه‌های کلان و مقاصد آن ملاک و معیار قرار گیرد، حدیث محور بوده و با ظاهرگرایی فهم خود را از حدیث بر قرآن تحمیل می‌کند. این روش با کنار زدن براهین عقلی به نقل‌گرایی روی می‌آورد که بدون توجه به اقتضائات زمانی و مکانی نتایجی غیرعقلانی را رقم می‌زند^{۴۵} و مستند افرادی نظیر الحسن قرار می‌گیرد.

به هر روی ثمره چنین رویکرد فقهی که حضور اجتماعی زن‌ها را سبب فساد^{۴۶} و نگاه کردن به آنها را فتنه‌انگیز می‌داند،^{۴۷} محدودسازی زیست اجتماعی زنان به دست افرادی نظیر الحسن است؛ امری که البته در رویارویی با قرآن قرار دارد. بر این اساس، این تصور که افرادی نظیر الحسن بر مبنای رأی شخصی خود دست به اعمال تبعیض‌های جنسیتی می‌زنند، اشتباه است و آنها از آرای فقیهان برای جنبه شرعی بخشیدن به اقدامات خود استفاده می‌کنند.

۱-۳. ضرورت بیرونی بازاندیشی در سیاست‌های تبعیض‌آمیز جنسیت‌زده در پرتو ارتکازات عقلایی جهان معاصر

در جهان معاصر، موضوعات گوناگون و پرشماری متولد شده است که اصلاح و تعدیل سیاست‌های مذهبی جزم‌گرا و مشکل‌آفرین برای جوامع اسلامی را ضرورت می‌بخشد. یکی

۴۵. علی ایمانی و ولی محمد احمدوند، «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر»، اندیشه نوین دینی ۱۷، شماره ۶۴ (بهار ۱۴۰۰): ۱۷۳.

۴۶. الینا، مجموعه رسائل، ۲۸۸.

۴۷. حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۲ (قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاجیاء التراث، ۱۴۱۴ق)، ۵۷۳.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوربافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۷۵

از موارد نوپیدا، تولد مفهوم «حقوق بشر» و متعاقب آن ظهور سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری برای نظارت بر رعایت آن توسط حاکمیت‌ها است. باور به وجود حقوق اولیه برای تمامی انسان‌ها فارغ از ویژگی‌های انتسابی و اکتسابی‌شان، مرزهای سرزمینی را درنوردیده و به شکل قاعده‌ای جهانی و عام‌الشمول درآمده است. به همین جهت، نیاز است که در این بخش به کنوانسیون و معاهدات بین‌المللی به‌مثابه آخرین اراده سیره عقلای دنیای کنونی در جهت محکومیت تبعیض جنسیتی اشاره گردد.

اولین اقدام سازمان ملل متحد در جهت محکومیت نابرابری جنسیتی ایجاد «کمیسیون مقام زن» (Commission on the Status of Women (CSW)) بود که در نهایت به شکل‌گیری کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۲) (The Convention on the Political Rights of Women) منجر شد. همچنین، در سال ۱۹۷۵ میلادی در جریان کنفرانسی در مکزیکوسیتی، ضرورت شکل‌گیری کنوانسیون در جهت رفع نابرابری میان زن و مرد مورد تأکید واقع شد.^{۴۸} کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (Convention on Elimination of All forms of Discrimination against Women) بر مبنای دریافت عقلی، تمایزگذاری بین زن و مرد را ناپسند دانسته و در جهت برچیده شدن آن از همبودهای بشری شکل گرفته است. در بخش نخست ماده ۱، تبعیض جنسیتی به این شکل تعریف شده است: «هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر اساس جنسیت که با به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است».

در بخش دوم، مواد ۷، ۹ و بخش ۳ مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ در راستای نیل به مساوات، شماری از حقوق از جمله «حق رأی»، «حق تصدی مناصب دولتی و انجام وظایف عمومی در سطوح دولتی»، «حق کسب، تغییر یا حفظ تابعیت»، رفع نابرابری در زمینه «آموزش»، «اشتغال» و «بهداشت»، اشاره گردیده است. در جهت تحقق این اهداف از دولتهای عضو خواسته شده تا اقدامات مقتضی را در جهت «تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر طرز تفکر پست‌نگری یا برتری‌بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مؤثر هستند»، به

۴۸. مصطفی فضائلی، «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شروط کلی وارد بر آن»، مجله حقوقی بین‌المللی ۲۳، شماره ۳۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۵): ۵۸-۵۹.

انجام رسانند. همچنین، با توجه به بخش اول ماده ۵ کشورها باید اطمینان حاصل کنند از اینکه «آموزش خانواده، شامل درک صحیح از وضعیت مادری به‌منزله یک وظیفه‌ای اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت‌ورشد کودکان می‌شود».

بیشترین تمرکز این کنوانسیون بر برابری و محکوم‌نمودن نابرابری جنسیتی است؛ از این‌رو بر اساس ماده ۲ در این رابطه از کشورهای عضو خواسته شده که این اصل را در قانون اساسی خود بگنجانند. پس از کنوانسیون حقوق کودک، این کنوانسیون بیشترین میزان الحاق کشورها را داشته است و برخی از کشورهای مسلمان نیز به آن پیوسته‌اند.^{۴۹} این شکل از پیوستن دولت‌ها می‌تواند نشان از خرد جمعی داشته باشد که به قبح تمایزهای جنسیتی پی‌برده و خواهان رعایت اصول انصاف و برابری در بین زن و مرد است. البته، بین مفهوم عدالت که مورد تأکید شرع است و مساوات که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح گردیده، تفاوت وجود دارد؛ اما به هر حال زمینه‌هایی از تبعیض که توسط افرادی مانند الحسن اعمال می‌شود، نظیر منع زنان از حقوق اجتماعی و منع آنها از علم‌آموزی نیز مخالف با عدالت در شرع است.

بدیهی است امروزه که افکار جهانی به مذموم‌بودن نابرابری جنسیتی علیه زنان پی برده‌اند، وجدان بیدار انسان‌ها رفتارهایی را که برخی رهبران دینی علیه انسانیت زن انجام می‌دهند، محکوم می‌کنند. با مشاهده این قبیل اعمال، چهره‌ای خشن و ضد زن از اسلام متصور می‌گردد که زمینه تفسیر از دین را فراهم می‌سازد و با مقاصد شریعت، فطرت و عقل سلیم انسانی در تضاد است؛ مسئله مهمی که در قسمت پسین بحث می‌گردد.

۲-۳. امکان درونی اصلاح نظام اجتماعی تبعیض‌زا در پرتو آموزه‌های شریعت اسلام

گفته شد که فهم فقیهان مساوی با حقیقت دین نیست. با این حال، قرائت‌های مبتنی بر جزم‌اندیشی، عاملی در جهت مشروعیت‌بخشیدن به تبعیض‌های جنسیتی قلمداد می‌شود. اینک پرسش این است که برای گذر از این‌گونه قرائت‌های مبتنی بر جنسیت، چه راهکار درون دینی وجود دارد؟

به نظر می‌رسد که در فقه ظرفیت‌هایی وجود دارد که با توسل به آنها می‌توان دست‌کم تبعیض‌های جنسیتی را که امروزه مصداق جنایت علیه بشریت است، خلاف آموزه‌های دینی دانسته و باطل اعلام کرد. از زمره این ظرفیت‌ها مفهوم عدالت است. رعایت عدالت از

۴۹. الهام آخوندان، «حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات عام بین‌المللی»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۳ (بهار ۱۳۹۵): ۲۲.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوربافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۷۷

مهم‌ترین دستورات قرآن است که نه تنها یکی از مقاصد شریعت بوده؛ بلکه قاعده‌ای کلان و دارای جایگاه حکومت بر سایر قواعد، احکام و نصوص است. به این معنا که مؤمنان موظف‌اند، فهم خود از شریعت را از صافی عدالت عبور دهند و هر آنچه را که با عدالت زمانه ناسازگار بود، باطل کنند؛ زیرا دین در مقام ثبوت عادلانه است. از این رو، احکام عدالت‌ستیز برآمد فهم نادرست از شریعت است.^{۵۰} همان‌گونه که آیاتی نظیر «وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ»،^{۵۱} «وَمَا اللَّهُ يَرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ»،^{۵۲} «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»^{۵۳} بیان‌گر عدالت خداوند نسبت به بندگان است و آیاتی نظیر «وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ»،^{۵۴} «وَأَنَّ حُكْمَ فَاحِكَمٍ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ»^{۵۵} توصیه مردم به رعایت عدل و انصاف است. این تأکید خداوند بر عدالت، هم به این معناست که در شریعت الهی ظلم وجود ندارد و هم به این معناست که مردم از جمله فقها و رهبران دینی در مقام استنباط نباید ظلم کنند.

روایات متعددی از ائمه (ع) با این مضمون نقل شده که احادیث باید به قرآن عرضه شده و آنچه منطبق با کلام خداوند است، پذیرفته شده و در غیر این صورت از آن پرهیز شود.^{۵۷} از این روایات، فقیهانی چون آیت‌الله سیستانی نظریه «توافق روحی» را استنباط کردند. از نظر ایشان قرآن به‌سان قانون اساسی، ارزش‌های متعالی نظیر عدالت، کرامت و احسان و... را برای همه زمان‌ها و همه افراد تبیین کرده است و روایات را باید با اهداف و ارزش‌های تبیین‌شده توسط قرآن سنجید و اگر با روح شریعت توافق داشتند، قابل‌اتکا دانست.^{۵۸} بر این مبنا تبعیض‌های اعمال‌شده با روح شریعت در تضاد است؛ از این رو هر روایت، قاعده یا حکم فقهی که مستند

۵۰. ابوالقاسم فنایی، *اخلاق دین‌شناسی - پژوهشی در باب مبانی اخلاقی و معرفت‌شناسانه فقه* (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۵)، ۴۸۹.

۵۱. آل‌عمران، آیه ۱۸۲.

۵۲. غافر، آیه ۳۱.

۵۳. مائده، آیه ۸.

۵۴. حجرات، آیه ۹.

۵۵. مائده، آیه ۴۲.

۵۶. ممکن است این سؤال طرح شود که الحسن طبق یک آموزه سلفی غیرشیعی مرتکب جنایت علیه بشریت شده است، چرا در این نوشتار از منابع شیعی در کنار منابع غیر شیعی استفاده شده است؟ منطقی پرداختن به مستندات موجود در مذهب شیعه آن است که قرائت‌های افراطی قابلیت طرح هم در مذهب شیعه و هم در اهل تسنن را دارد و تولید این‌گونه خوانش‌ها از دین اساساً مذبوم است و فلسفه فقه پویا نیز دال بر آن است که فتاوایی منطبق با عصر حاضر که پاسخگوی نیاز انسان امروز است بروز و ظهور یابد.

۵۷. محمدباقر مجلسی، *بحار/الأنوار*، جلد ۲ (بیروت: مؤسسه الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق)، ۲۴۴؛ محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل/الشیعه*، جلد ۲۷ (قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق)، ۱۱۰.

۵۸. علی‌اللهی خراسانی، *جستارهایی در مقاصد شریعت* (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹)، ۲۶-۲۷.

افرادی مانند الحسن بوده به دلیل عدم توافق روحی با شریعت از اعتبار ساقط است.

از آنجا که حُسنِ عدالت و قُبْحِ ظلم، عقلی است و نیز حق و عدالت در ضمیر هر انسانی وجود دارد، دریافت انسان‌ها از حق و ظلم، قابل انکاست. از این منظر ارتکاز عقلای جهان تشخیص می‌دهد که کدام رفتار منطبق با عدالت است و کدام در تقابل با آن قرار دارد؛ پس انسان‌ها و عرف جهانی، عاملی در تعیین مصداق عدالت و ظلم هستند.^{۵۹} بدین ترتیب در همه زمان‌ها بشر می‌تواند مصداق عدالت و ظلم را تشخیص دهد؛ اما گاه وجود جهل و نارسایی ساختاری سبب رواج ظلم می‌گردد.^{۶۰}

نکته دیگر اینکه تعیین مصداق حق و ظلم بستگی بسیاری به فهم عصری فهمندگان دارد.^{۶۱} و اگر کسی بخواهد دین را همراه ظرف قدیم آن حفظ کند و دین تطبیق شده بر دنیای گذشته را دین مطلق قلمداد کند، ناگزیر از دست‌شستن از زندگی در دنیای جدید است.^{۶۲} از این رو، شاید در گذشته برخی رفتارهای الحسن نسبت به زنان اعمال می‌شد و صحبتی از ناعادلانه بودن آنها نیز به میان نمی‌آمد، اما امروزه با افزایش آگاهی‌های بشر، مصداق عدالت تغییر کرده است. اکنون عرف جهانی و ارتکاز عقلای امروزی تبعیض‌های جنسیتی را ناپسند دانسته و رفتارهایی نظیر آنچه الحسن انجام داده است را مخالف با حق و عدالت می‌دانند. اگر عرف جهانی، سلب حق انتخاب در پوشش یا سلب اراده از زن برای کسب علم را مخالف با عدالت می‌داند؛ باید بتوان از این دست رفتارها دست کشید و با ایجاد ضمانت‌اجراه‌های کیفری به مقابله با افراد اعمال‌کننده چنین تبعیض‌های برخاست. به بیانی دیگر، هنگامی که عقل بشر اعمال تبعیض و محروم کردن جنس زن از حقوق طبیعی نظیر زندگی اجتماعی، آزادی اراده و این قبیل مسائل را به منزله ظلم درک می‌کند، صدور آن دستورات را از خداوند نفی می‌کند.

بر این اساس: «از آنجا که عدالت مقیاس دین است نه دین مقیاس عدالت و از آنجا که

۵۹. علی الهی خراسانی، *قاعده فقهی عدالت* (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲)، ۵۲-۵۳.

۶۰. حسنعلی علی‌اکبریان، *قاعده عدالت در فقه امامیه* (گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه) (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶)، ۱۰۳.

در اینجا نیک است این نکته مهم بیان شود که درباره موضوعات حقوق بشری باید با نگاهی کل‌نگرانه، نه عرف یک سرزمین، بلکه عرف عقلای جهان را معیار قرار داد. به سخن دیگر، درباره مسائل یادشده از جمله حقوق زنان، ملاک عرف جهانی است که امروزه نابرابری را برنمی‌تابد. بنابراین، نمی‌توان با این استدلال که مردمان دیاری با نابرابری‌های جنسیتی پاداندیشی‌ای ندارند، قوانین و مقررات جنسیت‌زده را در آنجا بر نهاد (حائری و همکاران، ۱۳۷۴: ۲۴).

۶۱. حسنعلی علی‌اکبریان، *قاعده عدالت در فقه امامیه*، ۲۴۶.

۶۲. فنایی، *اخلاق دین‌شناسی - پژوهشی در باب مبانی اخلاقی و معرفت‌شناسانه فقه*، ۴۳۸.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوربافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۷۹

عقلایی بودن مقیاس حوزه اجتماعیات و فقه معاملات است، می‌توان نتیجه گرفت که احکام فقهی تا زمانی که بر مقتضای عدالت باشند و سیره عقلا برخلاف آنها نباشد، دارای اعتبار و حجیت هستند^{۶۳}. وقتی صحبت از مقیاس بودن عدالت در دین می‌شود، مقصود این است که تشخیص حق و عدل در نزد عقلای جهان جایگاهی دارد که می‌تواند بر سایر احکام، قواعد و روایات حاکمیت پیدا کند. فقهای زیادی هم در مقام استنباط به این مقیاس پرداخته‌اند. برای نمونه آیت‌الله خمینی از فقهایی است که به تأثیر عدالت و ظلم در استنباط معتقد بود و به دلیل همین باور در بحث حرمت ربا، بر قبح ذاتی ظلم استناد نموده‌اند.^{۶۴}

استناد فقیهان به عدالت و تعیین مصداق آن در فتاوایشان می‌تواند نشانی از این داشته باشد که هرگاه حکم، روایت یا قاعده‌ای فقهی مخالف با حق و به‌گونه‌ای ظلم تلقی شود، می‌توان از جایگاه حکومت قاعده فقهی عدالت استفاده کرد و آن را بر موارد مخالف با روح شریعت حاکم ساخت. امروزه که وجدان انسان‌ها اعمال تبعیض‌ها را نوعی ظلم تشخیص می‌دهد، ادامه این‌گونه رفتارهای زن‌ستیزانه نه تنها مقصود شریعت نبوده؛ بلکه باعث نفرت‌پراکنی معاندان علیه شریعت برابرخواه اسلام می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری

اجرای برخی احکام فقهی مربوط به جهاد، نظیر آنچه توسط گروه‌های افراطی و جزم‌اندیش مثل داعش نسبت به ایزدیان در شهر سنجار عراق اعمال گردید و جهان را در شوک فروبرد، امروز بر اساس اسناد بین‌المللی از جمله اساسنامه دیوان می‌تواند مصداق جرائم بین‌المللی نظیر نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی باشد. آنچه در شهر تیمبوکتو در شمال مالی توسط گروه انصارالدین و مشخصاً توسط الحسن در مقام رئیس پلیس اسلامی این گروه رخ داد، در سطحی پایین‌تر نسبت به جنایات داعش درباره ایزدیان عراق در همین راستا ارزیابی می‌شود و مصداق جنایت علیه بشریت از رهگذر تبعیض جنسیتی است. بدیهی است مردمان عصر کنونی، چنین رفتارهایی را نه تنها بر نمی‌تابند؛ بلکه آن‌ها را جرم نیز می‌دانند و بالاتر نه تنها جرم عادی که جرم بین‌المللی، یعنی جرمی قلمداد می‌کنند که وجدان و احساسات همه افراد بشر را در هر کجا که باشند، جریحه‌دار می‌کند. بر این پایه جهان کنونی از مؤلفه‌هایی نظیر موازین بنیادین حقوق بشر برخوردار است که گریز از آنها برای هیچ دولتی

۶۳. عبدالکریم سروش و دیگران، سنت و سکولاریزم (تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴)، ۴۲۷.

۶۴. روح‌الله موسوی خمینی، کتاب‌البیع، جلد ۲ (قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا)، ۵۵۳.

امکان‌پذیر نیست و عدم تمکین نسبت به آنها به ویژه آنچه از مسلمات و بدیهیات حقوق انسان‌هاست، از جمله تبعیض مبتنی بر جنسیت با پیامدهای پُرشماری همراه است. این پیامدها دارای سطح‌های مختلفی است. از صدور قطعنامه‌های مختلف علیه کشورهای ناقض این حقوق گرفته تا افزایش فشارها و تحریم‌ها و همچنین تعقیب آمران و عاملان این جنایات‌ها توسط مراجع بین‌المللی کیفری مانند دیوان. افزون بر آن، ارتکاب چنین جنایاتی در زیر درفش اسلام، باعث مورد حمله قرارگرفتن شریعت و ایجاد تنفر نسبت به آن می‌شود. بر این مبنا اندیشمندان مسلمان باید روشنگری کرده و این وصله‌های ناخوشایند و دردسرساز را از پیکر دین بزدایند و گفتمان صلح‌جو و خشونت‌پرهیز دین را بر مبنای حقوق بشر تقویت کنند؛ زیرا هر چه یک کشور در زمینه حقوق بشر از کارنامه درخشان‌تری برخوردار باشد، متعاقباً نفوذش نیز بیشتر از سایرین است.

به هر جهت واکنش جامعه جهانی نسبت به اتهام جنایت علیه بشریت الحسن که از رهگذر تبعیض جنسیتی اعمال شده و ناقضین حقوق فطری انسان‌ها بود، تعقیب کیفری و مجرم شناختن او در دیوان است. این پرونده حاوی پیام‌هایی برای برخی کشورهای اسلامی و گروه‌هایی نظیر طالبان در افغانستان است که تبعیض‌های جنسیتی را به کار می‌بندند و در آرزوی اعمال آن در قلمرو کشورهای خود به صورت سازمان‌یافته و گسترده هستند. الحسن که رؤیای احیای خلافت اسلامی را به هر شیوه‌ای در سر داشت، اکنون خود را در لباس بزهکاری می‌بیند که باید پاسخگوی سنگین‌ترین اتهامات باشد. کمترین پیام مخابره‌شده از این پرونده آن است که همان‌طور که نبی مکرم اسلام (ص) هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاقی تبیین کرد، زمامداران اسلامی نیز چنین کرده و از اعمال احکامی نسبت به شهروندان خود و دیگران که امروزه در قالب جرائم بین‌المللی جرم‌انگاری می‌شود، پرهیز کنند. به‌راستی رهبران دینی باید از ارائه قرائت‌های جنسیت‌زده از دین که مخالف با اسلام رحمانی و مقاصد عالیه شریعت همچون کرامت، عدالت و... است، دست کشیده و بر مبنای آموزه‌های اصیل شریعت که ترسیم‌کننده راه و رسم زندگی و کشورداری در تمام دوره‌هاست، به اصول فرازمانی مانند برابری انسان‌ها در تمام امور روی آورند.

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوریافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۸۱

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

قرآن کریم.

آخوندان، الهام. «حمایت‌های ویژه از زنان در معاهدات عام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان ۱، شماره ۳ (بهار ۱۳۹۵): ۱۴-۳۱.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. شرح العمده فی بیان مناسک الحج والعمره. جلد ۱. ریاض: مکتبه الحرمین، ۱۴۰۹ق.

الهی خراسانی، علی. قاعده فقهی عدالت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۲.

الهی خراسانی، علی. جستارهایی در مقاصد شریعت. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.

ایمانی، علی، و ولی محمد احمدوند. «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر»، اندیشه نوین دینی ۱۷، شماره ۶۴ (بهار ۱۴۰۰): ۱۷۱-۱۹۲.

بنا، حسن. مجموعه رسائل الإمام الشهيد حسن البنا. اسکندریه: دار الدعوه، ۱۴۲۳ق.

پوریافرانی، حسن. حقوق جزای بین‌الملل. تهران: نشر جنگل، ۱۴۰۲.

حائری، سید کاظم، عباسعلی عمید زنجانی، سید حسن مرعشی شوشتری، ابوالقاسم گرجی، ناصر مکارم شیرازی، حسین مهرپور، محمدهادی معرفت، و سید محمد موسوی بجنوردی. «اقتراح»، نقد و نظر ۲، شماره ۵ (زمستان ۱۳۷۴): ۱۰-۷۹.

حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. جلد ۲۷. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.

ذاکر حسین، محمدهادی. «دیوان کیفری بین‌المللی و انتخاب وصف منصفانه برای ازدواج اجباری»، دو فصلنامه بین‌المللی حقوق بشر ۱۷، شماره ۳۳ (بهار و تابستان ۱۴۰۱): ۹۷-۱۱۶.

ذاکر حسین، محمدهادی. «گرسنگی دادن غیرنظامیان به‌مثابه جنایت جنگی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۹، شماره ۱۸ (پاییز و زمستان ۱۴۰۰): ۲۲۷-۲۵۲.

سروش، عبدالکریم، محمد مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، و محسن کدیور. سنت و سکولاریزم. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.

شبت، ویلیام. مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی. ترجمه سید محمدباقر میرعباسی و حمید الهوتی

نظری. تهران: نشر جنگل، ۱۳۸۴.

شریف الرضی، ابوالحسن محمدبن حسین. نهج البلاغه. قم: دارالفکر، ۱۳۸۶.

صدوق، ابوجعفر محمدبن علی. من لایحضره الفقیه. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الأحکام. جلد ۹. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

عثیمین، محمدبن صالح. مجموع فتاوی و رسائل فضیله. جلد ۱۰. ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۳ق.

عثیمین، محمدبن صالح. الضیاء الالمع من الخطب الجوامع. [بی جا]: مؤسسه الشیخ محمدبن صالح العثیمین الخیریه، [بی تا].

علامه حلّی، حسن بن یوسف. تذکره الفقهاء. جلد ۲. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.

علی اکبریان، حسنعلی. قاعده عدالت در فقه امامیه (گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

فضائلی، مصطفی. «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شروط کلی وارد بر آن». مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۳، شماره ۳۴ (بهار و تابستان ۱۳۸۵): ۵۷-۱۱۰.

فنائی، ابوالقاسم. اخلاق دین‌شناسی - پژوهشی در باب مبانی اخلاقی و معرفت‌شناسانه فقه. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۵.

کلینی، ابوجعفر. الکافی. جلد ۵. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷.

مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار. جلد ۲. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.

موسوی خمینی، روح‌الله. کتاب البیع. جلد ۲. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی تا].

ب- منابع لاتین:

Cassese, Antonio. International Criminal Law. New York: Oxford University Press, 294-295.

Cryer, Robert, Darryl Robinson, and Sergey Vasiliev. An introduction to International Criminal Law and Procedure. Cambridge: Cambridge University Press, 2010.

Kittichisaree, Kriangsak. International Criminal Law. New York: Oxford University

تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا جرمی علیه ... / مالدار، پوریافرانی و حسن‌زاده خباز ۱۸۳

Press, 2005.

ICTR. Clement Kayishema and Obed Ruzindana, Judgement. Case No. ICTR-95-1-T, 21 May 1999.

ICTR. Ferdinand Nahimana; Jean-Bosco Barayagwiza; Hassan Ngeze cases. Appeals Chamber, Case No. ICTR-99-52-A, 28 November 2007.

ICTY. Zejnil Delalić, Zdravko Mucić, Hazim Delić and Esad Landžom cases. Judgment, case no. IT-96-21-T, 16 Nov 1998.

SCSL. Alex Tamba Brima, Brima Bazzy Kamara, and Santigie Borbor cases. Appeals Chamber, Case No. SCSL-2004-16-A, 22 February 2008.

ICTR. Jean-Paul Akayesu cases, Judgment. Case No. ICTR-96-4-T, 2 Sep 1998.

ICC, Al Hassan case (Case Information Sheet). ICC-01/12-01/18, August 2023.

ICC. Al Hassan case. La Chambre Préliminaire I, No. ICC-01/12-01/18, 13 November 2019.

ج- وبسایت‌ها:

ICC (A). “Al Hassan case: Trial Chamber X,” last modified June 26, 2024, 2023, No. ICC-01/12-01/18, <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/CourtRecords/0902ebd1808b650c.pdf>

ICC (B). “Al Hassan case: ICC Pre-Trial Chamber I confirm charges of war crimes and crimes against humanity and commits suspect to trial.” last modified February 6, 2023. https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr1483#_blank.

ICC (C). “Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Fatou Bensouda, at the opening of the trial in the case against Mr. Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud.” last modified February 6, 2023. <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=200714-otp-statement-al-hassan>.